



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۲/۲۷/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

## ریشه تعدادی از کلمه های زبان پشتو در اوستا

(قسمت ششم)

کلمه «بوری» در ترجمه اوستای پورداود به معنی رسا، تمام و کامل شده است چنان که در یسنا، هات ۳۱ بند ۲۱. این همان کلمه یی خواهد بود که در زبان پشتو به هیأت های پوره و پوری در مکالمات روز مره زیاد استعمال می گردد و این کلمه از نظر من با کلمه «پئورو» در اوستا، قسمی که در بالا متذکر گردیدم، از یک ریشه و بن خواهند بود.

کلمه «سر» در اوستا به معنی انبازی یا پیوستگی و پیوند بوده است چنان که در یسنا، هات ۳۱ بند ۲۱. این کلمه به نظر من بُن و ریشه کلمه ترکیبی «ورسره» به معنی همراه در زبان پشتو خواهد بود. پور داود در شرح کلمه سر در همان جا می افزاید: میتوان آن را به معنی آمیزش و یگانگی گرفت، سر نیز مصدر است به معنی پیوستن و انجمن کردن.

«خون» در اوستا به معنای خورشید است چنان که در یسنا، هات ۴۴ بند ۳ و هات ۵۰ بند ۱۰، و هم کلمه های اوستایی چون «خونونت» به معنای درخشان و «خونگ درس» به معنای خورشید سان، از همین ریشه اند. هیئت دیگر این کلمه در اوستا «هور» آمده که در پارسی هور و خور گوئیم. فردوسی گوید:

که شیری نترسد ز یک دشت گور

نتابد فراوان ستاره چو هور.

به نظر من، کلمه «آخوند» در زبان های پشتو و پارسی، و در زبان های پامیری «آخون» به معنای ملا و معلم و هم کلمه های پشتو چون بنوونخی (مکتب) و بنوونکی (معلم)، کلمه هایی اند که در ترکیب آن ها کلمه خون موجود است. بنابراین معانی لفظی کلمه های آخوند، بنوونخی و بنوونکی را بالترتیب روشننگر، جای روشنایی و روشننگر می دانم. بهتر است تا ما پارسی زبانان به جای کلمات مکتب و معلم، که هر دو کلمه های عربی اند، کلمه های بنوونخی و آخوند را استعمال نماییم. ر. ک: (چند واژه در ابیات رودکی. ص ۱۱۰، همین قلم)

کلمه ژخ، یکی از معانی کلمه «ژخ» در لغت نامه دیوان رودکی و فرهنگ های دیگر، زخم و ناله زار آمده است و رودکی این کلمه را به همین معنا در یکی از ابیاتش چنین به کار گرفته است:

چون کشف انبوه غوغایی بدید

بانگ و ژخ مردمان خشم آورید.

به نظر می رسد که کلمه های «ژخار» و «ژغار»، به معنای نعره و فریاد، از ریشه کلمه ژخ باشند. و کلمه شغال هیأت تغییر یافته کلمه ژغار خواهد بود چنان که شغال حیوان سروصدایی است. کلمه ژخ در لهجه پشتو مردم قندهار به هیأت «ژغ»، و به همین معنا استعمال می گردد که ممکن است هیأت اصلی این کلمه باشد. ر.ک: (چند واژه در ابیات رودکی. صص ۷۶-۷۵ همین قلم) من که در همان اثر این کلمه را به تداوم کلمه زغند(ژغند) به معنی آواز و بانگ بلند نوشته ام، ریشه آن را نیز در اصل کلمه ژخ(ژغ) دانسته ام. این کلمه که فعلاً در زبان پارسی کاربرد ندارد، در زبان پشتو یکی از کلمه های معمولی ست که در مکالمات روزمره بسیار استعمال می گردد.